

جغرافیای تاریخی کوفه

لویی ماسینیون

ترجمه به عربی:
تقی بن محمد المصعبی

شرح و تعلیقات:
کامل سلمان الجبوری

ترجمه به فارسی:
دکتر عبدالرحیم قنوات

بهار ۱۳۹۵

ماسینیون، لویی، ۱۸۸۳ - ۱۹۶۲ م
جغرافیای تاریخی کوفه / لویی ماسینیون؛ ترجمه عبدالرحیم قنوت. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۸.
شش، ۱۲۶ ص.: مصور، نقشه. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۴۸. تاریخ اسلام؛ ۳۴) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۳۱۸. الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی)؛ ۲۷)
بها: ۱۴۰۰۰ ریال
ISBN: 987-964-7788-94-6
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
نمایه.
۱. کوفه - جغرافیای تاریخی. ۲. کوفه. الف. قنوت، عبدالرحیم، ۱۳۴۴. - مترجم. ب. جبوری، کامل سلمان، شرح و تعلیق. ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. د. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ه. عنوان.
۲ م ک / ۹ / ۷۹ BP
شماره کتابشناسی ملی
۹۵۶/۷۵
۱۵۶۷۷۱۹



جغرافیای تاریخی کوفه

مؤلف: لویی ماسینیون

مترجم: دکتر عبدالرحیم قنوت

ویراستار علمی متن عربی: قاسم خانجانی

ویراستار علمی متن فرانسه: افضل وثوقی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) (شماره انتشار: ۱۳۱۸،

الهیات (تاریخ و تمدن ملل اسلامی): ۲۷)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۵ (چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸)

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۴۹۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۲۲۱۱۱۳۰۰)، شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص. پ. ۲۷۱۸۵۳۱۵۱ • تهران: خ. انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،

تلفن: ۴۲۲۳۴۸۴۲۰۳، شماره: ۴۲۲۳۴۸۷۷۷ □ تهران: خ. انقلاب، خ. ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹. تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir info@samt.ac.ir



باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های
مختلف، اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۰

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، بیست و هشتمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب جغرافیای تاریخی کوفه به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب برای دانشجویان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع کمک درسی برای درس جغرافیای تاریخی تدوین شده است. همچنین قابل استفاده محققان و پژوهشگران رشته تاریخ و تاریخ اسلام نیز می‌باشد. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه بر ترجمه فارسی
۱	۱. مؤلف
۴	۲. مترجم عربی
۵	۳. محقق
۵	۴. کتاب
۹	مقدمه المصعبی بر ترجمه عربی
۱۱	مقدمه نویسنده
۱۵	کوفه به سوی شهر شدن
۱۵	تغییر اردوگاه‌هایی نظامی به محلاتی شهری
۱۹	چهار نکته قابل ملاحظه
۲۴	راه‌ها، صحن‌ها و مقابر
۲۸	محلات کوفه
۳۱	نقشه اقتصادی کوفه
۳۲	صرافان و دلّالان
۳۶	قصر و میدان
۳۷	مسجد جامع و مساجد محلات
۴۰	محلّه کُناسه (مدرسه)
۴۳	محلّه نجف (مشهد علی)
۴۶	منابع
۴۹	ذیل شماره ۱: ملاحظه‌ای پیرامون نقشه بصره
۵۱	ذیل شماره ۲: رابطه سیاسی تیره‌های قبایل کوفی و بصری و...

۵۱	تمییم
۵۱	اسد
۵۲	بکر
۵۲	خزاعه
۵۲	عبدالقیس
۵۲	مذحج
۵۲	کنده
۵۳	همدان
۵۴	بجیله
۵۵	پی‌نوشت‌ها
۹۳	نمایه‌ها
۱۱۵	نقشه‌ها
۱۱۹	تصاویر

مقدمه بر ترجمه فارسی

متن حاضر ترجمه فارسی اثری است از لویی ماسینیون با عنوان *Explication du plan de Kufa* که توسط تقی بن محمد المصعبی به عربی ترجمه و همراه با تعلیقاتی در سال ۱۹۳۹م در صیدا منتشر شده است. این متن بعدها توسط نویسنده معاصر عراقی، کامل سلمان الجبوری، مورد تحقیق و بررسی مجدد قرار گرفت و او نیز شرح و تعلیقاتی دیگر بر آن افزود و آن را در سال ۱۹۷۹م در نجف منتشر کرد. آنچه ما به فارسی برگردانده‌ایم، متن ترجمه شده عربی و بیشتر تعلیقات و پاورقی‌هایی است که این دو تن بر متن اصلی افزوده‌اند. در این مقدمه به ترتیب درباره نویسنده، مترجم، محقق و خود اثر توضیحاتی ارائه خواهیم کرد.

۱. مؤلف

لویی ماسینیون^۱ (۱۸۸۳-۱۹۶۲م) - مستشرق مشهور فرانسوی - که در میان شرق‌شناسان او را با کسانی مانند نولدکه^۲ و گولدزیهر^۳ مقایسه کرده‌اند، در پاریس به دنیا آمد. پدرش فرناند ماسینیون^۴ پس از آنکه در طب به تحصیل پرداخته بود، آن را رها کرده و به هنر روی آورده بود. او در پیکرتراشی و به‌خصوص قلمزنی روی گچ مهارت داشت. برخی معتقدند پیشه پدر بر بینهش پسر نیز تأثیر نهاد.

1. Louis Massignon

2. Noldeke

3. Goldziher

4. Fernand Massignon

ماسینیون در سال ۱۹۰۰م دیپلم ادبیات و فلسفه و یک سال بعد دیپلم ریاضیات گرفت. وی همچنین در مدرسه ملی زبان‌های زنده شرقی، عربی آموخت. در سال ۱۹۰۱م سفر کوتاهی به الجزایر کرد. در سال ۱۹۰۴م به مراکش سفر کرد و تحقیقی مختصر درباره آنجا نوشت و با ارائه آن موفق به اخذ دیپلم تحقیقات عالی در بخش علوم دینی از دانشگاه سوربن^۱ شد. از همین سال‌ها شرق‌شناسی را شروع کرد. در سال ۱۹۰۵م در چهاردهمین کنفرانس جهانی خاورشناسان که در الجزیره برپا بود، شرکت کرد و با برخی شرق‌شناسان بزرگ از جمله گولدزیهر آشنا شد. یک سال بعد دانشجوی مرکز فرانسوی آثار شرقی در مصر شد و به مصر رفت و در آنجا به تحقیق پرداخت. در همین سال‌ها آثاری نیز منتشر کرد که از آن جمله می‌توان به تصویری از جغرافیای مغرب در ۱۵ سال اول قرن شانزدهم، راه فاس و مراکش پس از فتح عربی اشاره کرد.

در سال ۱۹۰۷م به واسطه اشعار عطار با حلاج آشنا شد و این آشنایی تا پایان عمر، تحقیق در شرح حال و آثار و افکار این عارف مشهور تاریخ اسلام را به یکی از فعالیت‌های اصلی او تبدیل کرد.

طی سال‌های ۱۹۰۷-۸ مأمور انجام تحقیقاتی باستان‌شناسی در عراق شد. او در بغداد میهمان خانواده مشهور آلوسی شد و در ابنیه و آرامگاه‌های عراق به خصوص در جنوب این کشور پژوهش‌هایی صورت داد. از جمله به دیدن قریه سلمان پاک رفت، کوفه و بصره قدیم را کاوش و کاخ اخضر را کشف کرد. نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسانه او در کتابی دو جلدی با عنوان *Mission en Mesopotamie* (مأموریت در بین‌النهرین) منتشر شد. او در سال ۱۹۱۰م مقالاتی با عنوان: «کوچ مردگان در بغداد»، «المحمره»، «جنگ اخیر بین رفاعیه و قادریه»، «حج مردمی در بغداد» و تحقیقاتی درباره نسخه‌های خطی در بغداد منتشر کرد. در سال ۱۹۰۹م سفری نیز به استانبول جهت تحقیق درباره نسخه‌های خطی موجود در این شهر صورت داد. درباره حلاج نیز آثاری از جمله: مصائب حلاج و طریقه حلاجیه، حلاج شیخ مصلوب، نیز مدخل «حلاج» در *EI*^۲ را نوشت و به چاپ انتقادی کتاب طواسین اقدام کرد. در جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴م) به ارتش فرانسه پیوست و در این ارتش خدمت کرد. بعد از جنگ استاد ذخیره کرسی اسلام از دیدگاه اجتماعی در کالج

1. Sorbon

2. Encyclopaedia of Islam

دو فرانس^۱ گردید (۱۹۱۹-۱۹۲۴م) و سرانجام از سال ۱۹۲۶ تا سال ۱۹۵۴م که بازنشسته شد، به عنوان استاد در این مرکز تحقیقاتی مهم به فعالیت پرداخت. مدتی نیز مدیریت تحقیقاتی بخش دینی در مدرسه تحقیقات عالی سوربن را به عهده داشت. نیز از ۱۹۲۷م تا پایان عمر مدیر مجله اسلام‌شناسی بود.

ماسینیون در سال ۱۹۲۹م مجموعه متون منتشرنشده‌ای مربوط به تاریخ تصوف در کشورهای اسلامی را منتشر کرد. او همچنین مدخل‌های بسیاری از دائرةالمعارف اسلام (EI) را نوشت که عمدتاً مربوط به موضوعات یا شخصیت‌های تشیع و تصوف بودند. در خصوص فرقه یزیدیه نیز تحقیقاتی صورت داد و در این باره نیز آثاری با عنوان شیطان در میان یزیدیه و کتب مقدس یزیدیه منتشر کرد.

او در سال ۱۹۳۱م دیوان حلاج را همراه با ترجمه فرانسوی آن به چاپ رساند. به دنبال آن آثاری با عنوان اخبار حلاج و نیز زندگی حلاج پس از مرگش را منتشر ساخت (۱۹۴۶م). در مجله الله‌حی نیز تحقیقی درباره منحنی شخصیت و زندگی حلاج به چاپ رساند. از دیگر آثار او درباره حلاج می‌توان به اسطوره منصور حلاج در مناطق ترک‌نشین و نوشته‌های عطار درباره حلاج اشاره کرد. وی همچنین در سال ۱۹۵۴م داستانی عامیانه تحت عنوان داستان حلاج نوشت. درباره برخی عرفای دیگر از جمله ابن‌سبعین، ابوالحسن شوشتری و روزبهان بقلی شیرازی نیز آثاری به رشته تحریر درآورد.

ماسینیون درباره فرقه‌های شیعی نیز آثاری قابل توجه دارد. از آن جمله است: فهرستی از منابع درباره فرقه نصیری، فهرست منابع درباره قرامطه و خانواده بنی‌فرات. او تحقیقاتی نیز درباره حضرت زهرا(س) منتشر کرد. اثری نیز تحت عنوان مباحثه در مدینه به رشته تحریر درآورد. یکی از مشهورترین کارهای او در این باب کتاب سلمان پاک و نخستین شکوفه‌های معنویت اسلام ایران است.

ماسینیون به موضوع اصحاب کهف نیز توجه و نوشته‌هایی در این باب منتشر کرد. آخرین اثر او مقاله‌ای تحت عنوان ابرهای ماژلان و اکتشاف آنها توسط اعراب بود.

طی سال‌ها فعالیت در کالج دو فرانس، خطابه‌هایی بسیار درباره اوضاع و نظامات اجتماعی اسلام و مسلمانان ایراد کرد که متأسفانه هیچ‌کدام تدوین نشدند. شمار آثار

ماسینیون را بالغ بر ۶۵۰ عنوان تألیف، ترجمه، مقاله، خطابه و... دانسته‌اند. او عضو مجامع علمی مهمی از جمله جمعیت آسیایی، مجمع اللغوی مصر و مجمع علمی العربی دمشق بود.

ماسینیون در ایران بیشتر به واسطه دکتر علی شریعتی که مدتی را نزد او شاگردی کرده بود، شناخته شده است. از وی تاکنون دو اثر به فارسی ترجمه شده است: سلمان پاک و نخستین شکوفه‌های معنویت اسلام ایران که دکتر شریعتی آن را ترجمه و منتشر کرد و قوس زندگی منصور حلاج که به وسیله عبدالغفور روان‌فرهادی - نویسنده افغانی که او نیز شاگرد ماسینیون بوده - به فارسی برگردانده شده است. این کتاب با مقدمه مختصری از مرحوم حسین خدیوچم به چاپ رسیده است.

۲. مترجم عربی

تقی بن محمد المصعبی، نویسنده شیعه مذهبی است که در سده ۲۰ میلادی می‌زیست. وی ظاهراً عرب بوده و در عراق می‌زیسته است، ولی امضای او در پایان متن ترجمه (تقی المصعبی کنبو «الهندي») ظاهراً حاکی از تبار هندی او است. از سال تولد و سوانح حیات او چیزی دستگیر نشد، ولی از تعلیقات او بر کتاب خطط الکوفة می‌توان پی برد که او شیعه‌ای متعصب است. شاهد این مدعا اینکه وی تمامی روایت‌های مربوط به غلو برخی شیعیان را کذب و ساخته دشمنان آنان می‌داند و به این ترتیب عملاً وجود جریان غلو را در تاریخ تشیع انکار می‌کند. او را تألیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله‌اند:

— المقداد بن عمرو الرکن الاول من الارکان الاربعة؛

— سلمان پاک الرکن الثاني من الارکان الاربعة؛

— جندب بن جنادة الرکن الثالث من الارکان الاربعة؛

— عمار بن یاسر الرکن الرابع من الارکان الاربعة؛

— موجز الاقتصاد السياسي؛

— سنتا المنفی او مشاهداتی فی الهند و بلوچستان و ایران.^۱

۱. این اثر حاکی از سفر او به هند و پاکستان و ایران است.

ضمناً او دارای دو اثر به زبان فرانسه است که شاهی بر تسلط او به این زبان است:

I Euphrate و *L Islam de puisson origine*

۳. محقق

کامل سلمان الجبوری نویسنده معاصر عراقی است که از او دو کتاب درباره شهر کوفه می‌شناسیم:

— تاریخ الکوفة الحدیث در ۲ جلد که در سال ۱۹۷۴م در نجف منتشر شده است.

— مساجد الکوفة. این کتاب در سال ۱۹۷۷م در نجف به چاپ رسیده است.

۴. کتاب

Explication du plan de Kufa حاصل دو دیدار لویی ماسینیون در سال‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۳۴م از جنوب عراق است. او بار اول میهمان خانواده سنی مذهب آلوسی بود و همراه راهنمایانی سنی، سوار بر چهارپایی از کوفه بازدید کرد. اما بار دوم همراه راهنمایی شیعه و سوار بر ماشین، بقایای کوفه قدیم را به صورت کامل‌تری دید و کتاب خود را بر اساس مشاهدات میدانی و مطالعات اسنادی به رشته تألیف درآورد. او نقشه‌ای از کوفه قدیم رسم کرد و کتاب خود را در شرح و تفسیر این نقشه نوشت. *خطط الکوفة* شامل مقدمه، نه فصل، دو ذیل، دو نقشه و تعلیقات مترجم عربی است:

مقدمه المؤلف: نویسنده در مقدمه از چند و چون کار خود و سیر مشاهداتش سخن به میان آورده است.

تمصیر الکوفة: این فصل به شکل‌گیری اولیه شهر و ترکیب جمعیتی و محلات آن (أسباع) اختصاص دارد.

السکک و النطاق و المقابر: ماسینیون در این فصل به تفکیک از کوچه‌ها و خیابان‌ها و گورستان‌های شهر سخن گفته و اهمیت اجتماعی و سیاسی گورستان‌ها را تبیین کرده است. قطائع الکوفة: این فصل به محلات قبیله‌ای (أسباع) و نیز قطائع و محلات شخصی افراد و خانواده‌ها اختصاص یافته است.

- الطوبوغرافية الاقتصادية للكوفة:** در این فصل از جغرافیای بازارها و مراکز اقتصادی کوفه سخن به میان آمده و در خصوص مشاغل و حرفه‌های رایج در کوفه نیز بحث شده است. این بحث از منظر تاریخ اجتماعی نیز حائز اهمیت است.
- القصر و الميدان:** فصل مختصری است که در آن به قصرالاماره و میدان (رحبة علی) و برخی بناهای مرتبط با آنها پرداخته شده است.
- جامع الجمعة و مساجد المحلات:** این فصل حاوی توضیحاتی درباره جامع مشهور کوفه و به خصوص مساجد کوچک محلات و اقسام آنهاست.
- ضاحية الكناسه:** در این فصل نقش تجاری و سیاسی - مذهبی این محله مشهور مورد بررسی قرار گرفته است.
- ضاحية النجف - مشهد علی:** به شکل‌گیری اولیه نجف اختصاص دارد و توضیحاتی مختصر درباره نجف فعلی را نیز شامل است.
- المصادر:** ماسینیون در این فصل به معرفی برخی منابع عمومی و اختصاصی کوفه پرداخته است و میان این منابع مقایسه‌هایی نیز صورت داده است.
- کتاب همچنین دارای دو ذیل است:
- ذیل شماره ۱: **ملاحظة حول طوبوغرافية البصرة:** مؤلف آورده است که به دلیل پیوستگی بصره و کوفه و همانندی این دو شهر، از آوردن این بخش ناگزیر بوده است. وی در این فصل به اختصار از محلات بصره (دساکر) سخن گفته و تأسیس و تقسیمات این شهر (آخماس) را توضیح داده است.
- ذیل شماره ۲: **الرابطة السياسية في بطون القبائل الكوفية و البصرية:** به مقایسه تمایلات سیاسی قبیله‌های ساکن در این دو شهر اختصاص دارد.
- در متن کتاب دو نقشه وجود دارد:
- الخريطة ۱: به جغرافیای کوفه قدیم اختصاص دارد.
- الخريطة ۲: در حقیقت خود شامل دو نقشه است:
۱. منشأ و سکونتگاه‌های تیره‌های قبیله همدان در یمن؛
 ۲. مکان‌هایی از شهر کوفه که این تیره‌ها در آنها سکونت گزیدند.

ذکر نکته‌ای درباره ارجاعات کتاب نیز لازم است و آن اینکه نویسنده در پاورقی‌ها به ثبت نام نویسندگان بسنده و جز در مواردی معدود از ثبت نام کتب خودداری کرده است. ما به جهت تکمیل پاورقی‌ها نام آثار را نیز افزوده‌ایم.

همان‌گونه که آوردیم، مترجم عربی کتاب - المصعبی - و محقق آن - الجبوری - یادداشت‌ها و پاورقی‌های بسیاری بر متن کتاب افزوده‌اند که عموماً شامل شرح و توضیحاتی مفید و البته در مواردی نیز شامل مطالبی بسیار پیش‌پا افتاده یا بی‌ارتباط با موضوع مورد نظر هستند. بر این اساس، ما به ترجمه تمامی آنها نپرداخته‌ایم؛ بعضی را حذف و بعضی را نیز تلخیص کرده‌ایم. در مواردی خود نیز مطالبی را در پاورقی‌ها افزوده‌ایم. بر این اساس پاورقی‌های کتاب، به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

پاورقی‌های مؤلف (ماسینیون) که در کنار آنها هیچ علامتی نیاورده‌ایم.

پاورقی‌های مترجم عربی (المصعبی) که با حرف (م) معین شده‌اند.

پاورقی‌های محقق (الجبوری) که با حرف (ج) مشخص گردیده‌اند.

پاورقی‌های این جانب که با حرف (ق) معلوم شده‌اند.

پاورقی‌های مترجم عربی، محقق و این جانب با شماره‌هایی که در بین دو پرانتز آمده‌اند اشاره شده و تقریباً متن تمامی آنها به پایان کتاب ملحق شده است.

الجبوری تعدادی تصویری نیز از برخی کتب دیگر ماسینیون برگرفته و در پایان این کتاب آورده است. متأسفانه به رغم اهمیت تاریخی بسیاری از این تصاویر، کیفیت آنها به اندازه‌ای نامطلوب است که امکان استفاده از آنها فراهم نبود؛ به همین دلیل به جای آنها تصاویری جدیدتر و باکیفیت بهتر از برخی اماکن کوفه انتخاب و در پایان کتاب آورده‌ایم.

در پایان شایسته می‌داند مراتب تقدیر و سپاس خود را اعلام کنم؛ نخست از جناب آقای دکتر افضل وثوقی، استاد محترم زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد که متن ترجمه فارسی را با دقت فراوان با دو متن فرانسه و عربی آن تطبیق دادند و اشکالاتی را که پیش آمده بود، برطرف کردند. دوم از استاد علیرضا ناظری که با گشاده‌رویی و نیک‌نفسی از برخی مشکلات گره‌گشایی کردند. سوم از آقای محمدعلی

نریمانی که نقشه‌های کتاب را به شکلی آراسته بازسازی کردند. از آقای مهدی مجتهدی نیز سپاسگزارم که دسترسی به نسخه کمیاب متن اصلی کتاب به زبان فرانسه به توسط ایشان میسر شد. مراتب تقدیر و سپاس خود را از گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه انتشار این اثر را فراهم آورد، نیز ابراز می‌دارد.

عبدالرحیم فنوات

مقدمه المصعبی بر ترجمه عربی

دانشمند بزرگ، لویی ماسینیون، سرشناس‌تر از آن است که من او را به خوانندگان معرفی کنم. اندک‌اند کسانی که او را شناسند یا درباره آثار منحصر به فرد او در رشته‌هایی که در آنها اثری خلق کرده و نیز درباره کشفیات باستان‌شناسی یا تحقیقات اجتماعی او چیزی نشنیده باشند. وی از بزرگان علوم اجتماعی و دانش‌های عربی و اسلامی زمانه ماست. او همچنین استاد کالج دو فرانس¹ پاریس است. برای اینکه خوانندگان جایگاه این مرکز علمی و اساتید آن را بهتر درک کنند، باید به این نکته توجه داد که این مؤسسه دربرگیرنده برگزیده‌ای از دانشمندان و پژوهشگران است و دانشکده‌ای نیست که دانشجویان به شیوه معمول به آن رفت و آمد کنند و آموزش ببینند.

ماسینیون دارای آثار و نوشته‌های بسیاری است که تمامی آنها کم‌نظیر و ارزشمندند، ولی آن‌گونه که بررسی کرده‌ام، متأسفانه تاکنون هیچ‌یک از آنها به عربی ترجمه نشده است. هنگامی که من یکی از آثارم را برای او هدیه فرستادم، در برابر نسخه‌ای از این اثر را برایم ارسال کرد. وقتی آن را مطالعه کردم و نتیجه تحقیقات و پژوهش‌هایم را در این باره دیدم و نیز نقشه‌ای را که برای کوفه قدیم رسم کرده بود، ملاحظه کردم، ترجمه این اثرگران‌بها را ضروری دیدم.

ماسینیون برای ترسیم این نقشه، بیابان‌های کوفه را پیاده پیموده، ویرانه‌های آن را دیده، درباره مکان‌های باستانی آن جستجو کرده و به بخشی مهم از نقاط و جایگاه‌های فراموش شده و ویران مانند گُناسه، ثویّه، مساجد محلات، دیر هند الصغری، گورستان‌ها، خندق پیرامون شهر، نهرهای اطراف و... راه برده است.

1. Colleg de France

برای ترجمه این اثر از او اجازه خواستم. موافقت کرد و از سر لطف اجازه داد که بر ترجمه اثر او، پاورقی‌ها و تعلیقاتی نیز بیفزایم. البته در آن هنگام تصور نمی‌کردم با این عجله به این کار مهم اقدام کنم؛ زیرا سرگرم چاپ و تکمیل بعضی از آثار خود بودم، ولی اصرار شماری از دوستان دانشمند و فاضلم و نیز بعضی بزرگان و سرشناسان مرا واداشت آنچه را در دست داشتم، زمین بگذارم و به ترجمه این اثر و مراجعه به مآخذ و تهیه تعلیقات آن و فراهم آوردن ضمیمه‌اش بپردازم. این کار را به سرعت و در مدتی کوتاه به پایان بردم و اکنون این اثر ارزشمند را که تاکنون کسی در ترسیم نقشه کوفه قدیم، توصیف آن، و روشن کردن آنچه از جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، علمی، ادبی و اقتصادی، متعلق به آن است، بر نویسنده آن پیشی نجسته، به خوانندگان عراقی که برای دانستن آنچه به کوفه تعلق دارد، از سایرین شایسته‌ترند، تقدیم می‌کنم. به خاطر انجام این خدمت کوچک خوشحالم و امیدوارم به ترجمه شماری دیگر از آثار ماسینیون به خصوص دو اثر ارزشمند او: مأموریت در بین‌النهرین^۱ و مصائب صوفی شهید حسین بن منصور حلاج^۲ نیز موفق گردم.

کربلا - ذی‌حجه سال ۱۳۵۷ هجری / شباط ۱۹۳۹ م
تقی بن محمد المصعبی

1. *Mission en Mesopotamie.*

2. *Pasion d Al-Hallaj martyr mystique de l Islam.*

مقدمه نویسنده

گرچه فکر ترسیم نقشه تاریخی کوفه پیشتر به ذهن ولهاوزن^(۱) و لامنس^(۲) خطور کرده بود، ولی تاکنون کسی در پی تحقیق و ترسیم آن نرفته و چنین کاری را صورت نداده است. من این کمبود را در اولین مسافرتم به عراق^۳ دریافته بودم و اخیراً نیز از زمانی که درس و بحث پیرامون مبانی تشیع را آغاز کردم، بیش از پیش به ضرورت انجام این کار پی‌بردم. به این دلیل که در طول تاریخ همواره بیشتر گروه‌های تشیع امامیه در این شهر اشرافی بدوی که در زمان خلافت علی [علیه السلام] برای مدت کوتاهی پایتخت اسلام شد، شکل گرفته‌اند.^۴

این نقشه، نقشه‌ای ساده و ابتدایی است که من کمبودهای آن را پنهان نکرده و نقاط مشکوک و مبهم آن را نپوشانده‌ام، بلکه آن را چنان که بوده کشیده‌ام؛ زیرا هدف من تنها کمک به بررسی تاریخ عراق در دوران اسلامی نبوده، بلکه کمک به بررسی‌های اجتماعی درباره چگونگی گرد آمدن اعراب در شهرها و مدینتشان را نیز در نظر داشته‌ام. کوفه در آن هنگام کانونی مهم برای این حادثه بزرگ اجتماعی و پایتختی برای بنیانگذاری تمدن اسلامی بود و امروزه نیز مرکز گسترده و باظرفیتی برای آینده زبان عربی و علوم وابسته به آن است.^(۳) نه بصره^(۴) که همسنگ آن است و نه حتی دمشق و نه فسطاط^(۵) و نه قیروان^(۶) هیچ‌یک همانند کوفه تصویری واضح و روشن از خود نمایش نداده‌اند. این تصویر روشن در مواردی مانند تأسیس آن به عنوان یک شهر،

1. Wellhausen

2. Lammens

3. *Mission en Mesopotamie*, t, i, Le Caire (IFAO) 1910.

4. Cf. *Salman Pak* (no.7 des pub), soc etudes iraniennes, Paris (Leroux).

اسکان قبیله‌های پیروز در آن و استقرارش بر کناره صحرا، در زمینی حاصلخیز که چسبیده به ریگستانی است فرورفته در منطقه‌ای که با آب شط بزرگ فرات^(۷) سیراب می‌شود و در سده‌های گذشته در بخشی از آن تمدنی درخشان وجود داشته، خود را نمایانده است.^(۸)

من ویرانه‌های کوفه را در فاصله ربع قرن دوبار دیدم. دست‌آورد دیدار اول که از ۱۴ تا ۱۷ مارس ۱۹۰۸م رخ داد، تنها گرفتن تعدادی عکس بود،^۱ ولی بار دوم (۱۰ مارس ۱۹۳۴م) سوار بر ماشین - نه همچون بار قبل بر پشت اسب - و همراه راهنمایی به نام مارد بن شیخ عطیه^(۹) که توسط دوستان شیعه‌ام در نجف به من معرفی شده بود، راهی شدم. ابتدا به دیدن ویرانه‌های به‌جامانده در مکانی که در گذشته شهری عربی و بزرگ و مرکز مهم مسلمانان بوده، ولی امروزه صحرائی خشک و خالی است، رفتم.^(۱۰) سپس مکان‌های مجاور مسجد^(۱۱) و باب‌الفیل^(۱۲) را بازدید کردم. همچنین قبور هانی بن عروه و مسلم بن عقیل^(۱۳) را در قسمت شرقی مسجد دیدم. این‌بار توانستم وارد صحن داخلی مسجد شوم، در حالی که در سال ۱۹۰۸م که با دوستان سنی‌ام به دیدن این منطقه آمده بودم، به سختی توانستم از دور دو عکس از آن بردارم. از آنجا به تپه‌های واقع در قسمت جنوبی مسجد رفتم که آن را قصرالاماره^(۱۴) می‌نامند و خانه [امام] علی [ع] و قبر میثم تمار^(۱۵) و سبیل‌خانه^(۱۶) نیز همان‌جا قرار دارند. سپس برای جستجوی قبر ابراهیم طباطبایی^(۱۸) (جد سید کاظم)^(۱۹) راهی دورترین نقطه جنوبی شدم. شاید این قبر بالای قبر قدیمی‌تری که متعلق به کمیل بوده است،^(۲۰) قرار گرفته باشد. پس از این، النقطنین را دیدم که در کنار راه آهن نجف - الشریعه^(۲۱) (راهی شبیه تراموای بغداد - کاظمین) قرار دارند و یکی از آنها را انگلیسی‌ها بنا کرده‌اند.^(۲۲) سپس به دیدن مسجد حنّانه^(۲۳) رفتم که گویا (به روایتی) جنازه علی در آن قرار داده شده بود. بعد از آن متوجه بلندی‌های کری سعده^(۲۴) شدم که تمرکز و جهت آنها دلیل بر آن است که کانالی موازی رودخانه فرات نبوده بلکه خندقی بوده که در دوره منصور^(۲۵) حفر شده است. از آنجا به سمت حومه شهر^(۲۶) (الصّاحیه) رفتیم که نسبت به سال ۱۹۰۸م بسیار گسترده شده است.^(۲۷) این

۱. ر.ک: عکس‌های شماره ۴۳ و ۴۴ از کتاب *Mission en Mesopotamie* (مأموریت به بین‌النهرین).

منطقه بین شریعه فرات و مسجد جامع قرار دارد. در ادامه حرکت خود در جهت شمال شمال غربی تا زاویه خندقی که محیط به مسجد سهله^(۲۸) و دو مقام صعصعه بن صوحان^(۲۹) و برادرش زید^(۳۰) و چاهی است که به تازگی حفر شده، پیش رفتیم. سپس برگشتم تا به لنگرگاه کشتی‌ها رسیدم و در مسیر خود کاروان‌سرای را دیدم که برای پذیرایی از زائرین بُهره (پیروان فرقه داودیه از اسماعیلیه) هندی^(۳۱) آماده شده بود.^(۳۲) از آنجا نیز تا مقام یونس نبی^(۳۳) رفتیم.

کوفه روبه‌روی حیره واقع شده است. جایی که دماغه‌ای از شن به صورت عمودی به فرات نزدیک می‌شود. بین زمینی هموار و آبرگیر^(۳۴) در مشرق، و زمینی خشک و پست که در مغرب آن قرار گرفته است. اینجا بر کرانه صحرا، پستی دیده‌بانی برای نگهبانی از پل زوارق قرار دارد. این پل که بر روی رودخانه فرات بسته است، پیشتر قبلاً به جاده تیسفون^(۳۵) منتهی می‌شده و امروزه به جاده بغداد متصل است.

پیش از تأسیس کوفه، حیره پایتخت لخمیان بود^(۳۶) که مدت سه قرن تحت حمایت ایرانیان بودند.^(۳۷) با وجود این، این شهر تنها شهری بیابانی^۱ و پیوسته محلی برای مبادله کالا میان دست‌نشانندگان و مأموران دولت ایران از یک سو و شترداران بزرگ بادیه‌نشین از سوی دیگر بود. همان‌گونه که محل تلاقی و ارتباط مسیحیان متعصب شهرها و قریه‌های آرامی و عشیره‌های کوچک گوسفندچرانی بود که به رفت و آمد به آنجا خو گرفته بودند.

کوفه از حیره به فرات نزدیک‌تر و بر پلی مسلط بوده که پیوسته برپا بوده است^۲ تا دسترسی به راه بازرگانی بزرگی که نقاط دوردست آسیا را به دورترین نقطه یمن وصل می‌کرده، ممکن باشد.^(۳۸)

پیش از اسلام، نام‌های این مکان بر پایه شبکه‌بندی نهرها و زمین‌های مساحی شده از دوران‌های بسیار قدیم انتخاب شده بودند (ایرانی‌ها در دوره ساسانی اسامی تقسیمات کشوری‌شان را این‌گونه انتخاب می‌کردند). همچنین نام‌هایی که عرب‌ها برای

1. (caravan city): Cf, *petra et cities*, oxf, Palmyre (Rostvitzeff caravan 1932).

2. Sur la fixité historique des ponts de bateaux, cf. ma mission, op.cit. ii. p.88.

منزلگاه‌هایشان به کار می‌بردند، در مناطق تجمع آرامی‌ها و سکونتگاه‌های آنان رواج یافته بود. من در سال ۱۹۱۰م برای این اسامی جدولی تهیه کردم^(۳۹) و در اینجا فقط به خورنق اشاره می‌کنم که از ستون‌های آن چند عکس گرفتم^۲ و نیز سدیر که معتقدم خود اخیضر است^(۴۰) و صنین که طبری به آن اشاره کرده است^(۴۱) و من آن را در سال ۱۹۰۸م کشف کردم.^۵

زمین‌های کوفه (سواد کوفه) هنگام فتح توسط مسلمانان با سه منطقه (طسوج) مالیاتی ساسانیان مطابقت می‌کرد:^۶

۱. با دو منطقه اول و دوم استان دوازدهم ایران که به‌قباد پایین نام داشت.^(۴۲) منطقه اول سیلحین بود^(۴۳) که شامل خورنق،^(۴۴) تیزناباد^(۴۵) و نهر بورسوف بود و منطقه دوم فرات بادقلی^(۴۶) نام داشت.

۲. با منطقه اول استان یازدهم ایران که به‌قباد میانی^(۴۷) و شامل جبه^(۴۸) و نهر البداء بود.^(۴۹) نقشه به ما نشان می‌دهد که این اراضی در شرق کوفه بلکه حتی در شرق فرات قرار داشته‌اند.

کوفه در قرن چهارم هجری شهر مرکزی یکی از استان‌های شش‌گانه عراق شد که توابع آن عبارت بودند از: بابل^(۵۰) و عین‌التمر^(۵۱) (مناطق ۲-۱ و ۶-۵ از استان دهم) سورا^(۵۲) و النیل^(۵۳) (مناطق شماره ۲ و ۴ از استان شماره یازدهم)^(۵۴) و در دوره عثمانی به منطقه‌ای ساده از ناحیه نجف (استان کربلا) تنزل یافت و اکنون نیز در تقسیمات کشوری عراق، همین موقعیت را دارد. جز اینکه استان کربلا را که پیشتر سنجد کربلا می‌گفتند، اکنون لواء کربلا می‌نامند.^(۵۵)

1. Cf. *Mission*, v.I, p.31-35 et surtout, p.49. 2. L. oc. cit. pl, xxxvii.

3. Voir *Enzykl. des Islam*, s. v. Ukhaïdir.

۴. ج ۱، ص ۲۲۳۲.

5. L. oc. cit. i, 29.

۶. شهرها و نواحی ساسانیان از نظر اداری به مناطقی تقسیم می‌شدند که «استان» نامیده می‌شدند. هر استان شامل چند طسوج بود. طسوج به چند رستاق و رستاق به چند قریه و آبادی تقسیم می‌گردید. زمانی که مسلمانان، عراق و ایران را گشودند، این نظم و ترتیب را بر هم نزدند، جز اینکه استان را کوره نامیدند.

7. Sources ap, Streck. Die alta Landschaft 1900, 1, 16, 30, B. G. A, VI (1) 322, VII, 8.

کوفه به سوی شهر شدن

تغییر اردوگاه‌هایی نظامی به محلاتی شهری

می‌دانیم که شهر کوفه در ابتدا تنها تپه‌هایی از خاک، کومه‌هایی از نی و چادرهایی موقتی بود که در فاصله میان دو حمله بزرگ اعراب به ایران نصب شده بودند، تا سربازان عرب و همسرانشان که در آن هنگام همراه سپاه بودند، در آنها سکونت کنند. این وضع مدت پنج سال، از ۱۷ تا ۲۲ق (یعنی آغاز دوره فرمانداری مغیره بن شعبه^(۵۶) در این شهر) ادامه یافت تا اینکه خانه‌هایی واقعی از خشت خام برپا شد و اولین این منازل در محله کنده ساخته شد.^(۵۷) این خانه‌ها متعلق به قبیله‌های مراد^(۵۸) و خزرج^(۵۹) بود که به دنبال هم‌پیمانی با قبیله کنده، همراه آنان در یک منطقه سکونت گزیده بودند.^۲

در سی سال اول تأسیس کوفه، این چادرها و کومه‌های نئین به هفت منطقه نظامی (الاسباع) تقسیم می‌شدند که به مناطق هفت‌گانه این شهر منسوب و ساکنان آنها در حقیقت جنگجویان قبایل بودند. ساکنان هر منطقه، فرماندهی واحد داشتند و هنگام آماده شدن برای جنگ و شرکت در جهاد، دسته‌های مشخصی را تشکیل می‌دادند.^۳ پس از بازگشت از جنگ نیز غنایم به همین ترتیب و توسط رؤسای مناطق، میان ساکنان هر منطقه تقسیم می‌شد. بنابراین، در این تاریخ، مناطق هفت‌گانه کوفه، محلاتی شهری نبودند، بلکه سکونتگاه‌هایی قبیله‌ای بودند که ساکنان آنها بر اساس خویشاوندی‌های نسبی یا هم‌پیمانی گرد هم آمده بودند.

۱. یاقوت؛ معجم البلدان؛ ج ۴، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲. ابن سعد؛ الطبقات الكبرى؛ ج ۶؛ نیز ر.ک. ملاحظه شماره ۴ در همین فصل.

3. Cf. blocus de Medine par les tribus arabes de 1916 a 1918.

چنانچه عمران و آبادی‌هایی را که اعراب در دو سوی بادیة الشام صورت دادند، با هم مقایسه کنیم، تفاوت آشکاری را ملاحظه می‌کنیم: در غرب بادیة الشام (سوریه) اعراب به سرزمین‌هایی پر از درختان زیتون دست یافتند. آنان به دلیل فراوانی نهرها و رودخانه‌های این منطقه، در مسیرهای مختلفی به حرکت درآمدند^۱ (از جمله نهرها و رودخانه‌های این ناحیه می‌توان به رودخانه‌های اردن، لیطانی و عاصی اشاره کرد). اعراب به این دلیل، در مناطق مختلفی سکونت گزیدند و شش اردوگاه نظامی خود را در مکان‌هایی نزدیک شهرهای مهم بنا کردند.^(۶۰) در حالی که در عراق، گروه‌های عرب در ساحل نهرها و جلگه‌های آکنده از درخت و نخیلات که رودخانه‌هایی در آنها جاری بود، اقامت نکردند بلکه در دو اردوگاه نظامی بزرگ نزدیک به هم (کوفه و بصره) گرد آمدند که محل توزیع غنایم جنگی و سایر درآمدها بود.

بصره شهری بندری بود. کالاهایی که توسط کشتی وارد این بندر می‌شد، در آنجا تخلیه می‌گردید و همان جا نگهداری می‌شد تا وقتی که از محل بازار مشهور میربَد بر شترها بار و به مناطق دیگر حمل شود. این شهر مدتی پیش از کوفه بنا نهاده و در ساختن خانه‌ها و مساکن آن، از خشت و آجر استفاده شده بود. هفت مزرعه (دسکره)^(۶۱) قدیمی آن پرازسکنه بود و از پیش در آنها منازلی وجود داشت، ولی مسلمانان، این هفت منطقه را به پنج منطقه اداری (الاحماس) تغییر دادند.^۲ بنای کوفه و اقامت اعراب در آن متأخر از بصره بود.

شهر کوفه در سی سال اول تأسیس خود، به هفت منطقه تقسیم شده بود که گروه‌های هفتگانه‌ای را در خود جای داده بودند. طبری که این مناطق را برشمرده،^۳ به منطقه و گروه هفتم اشاره نکرده است، ولی ما لیست او را تکمیل کرده‌ایم:

۱. کنانه و هم‌پیمان‌های آنان (احابیش)^(۶۲) و جدیله^(۶۳) که از زمان امارت فرمانداری سعد بن ابی‌وقاص در کوفه تا روزگار بنی‌امیه همواره حامیان امیران قرشی شهر بودند، به اهل‌العالیه شهرت داشتند^۴ و تعدادشان نسبت به سایرین ناچیز بود.

۱. هم اکنون نیز قبایل بدوی، در سال‌های خشک به سوی رودخانه العاصی حرکت می‌کنند و تا ساحل دریا پیش می‌روند.

۲. بلاذری؛ فتوح البلدان؛ ص ۳۴۱، ۳۴۲، ۲۵۰؛ نیز ر.ک: بخش الحاقی شماره ۲.

۳. ج ۱، ص ۲۴۹۵.

4. Carr. Caetani, v.IX, p.286.

۲. قضاعه، غسان، بجیله،^(۶۵) خثعم،^(۶۶) کنده، حضر موت^(۶۸) و ازد. آنان از مردم یمن بودند و رهبری آنان در اختیار دو طایفه بود: ۱. بجیله که رئیس آنان، جریر بن عبدالله، دوست نزدیک عمر بن خطاب بود و خلیفه برای افراد قبیله او پاداشی سالیانه مقرر کرده بود. ۲. کنده که ریاست آن به دست خانواده‌ای سلطنتی (خانواده اشعث بن قیس) بود.^(۶۹)

۳. مذحج و حمیر و همدان. اینان نیز از طوایف یمنی خالص بودند. از میان آنان قبیله همدان بعدها نقشی مهم ایفا کردند.

۴. تمیم و رباب و بنی عصر. این قبایل از عناصر مُضَرّی بودند که از میان آنان تنها تمیم باقی ماند و سایرین از بین رفتند.

۵. اسد، غطفان، محارب، نُمَیر (تیره‌ای از بکر بن وائل)، ضبیعه و تغلب که بیشتر آنان از ربیعه بودند.

۶. ایاد، عک و عبدالقیس که اهل هجر بودند و حمراء.^(۷۰) دو طایفه اخیر باقیمانده قبایلی بودند که پیش‌تر در این منطقه سکونت داشتند.^(۷۱) بنی عبدالقیس تحت رهبری رئیسی از خانواده‌ای سلطنتی یعنی زهره بن حویه سعدی^(۷۲) (بنی سعد بطنی از تمیم بودند) که از شخصیت‌های مهم و محوری فتوحات بود، از بحرین (الهجر) به این منطقه مهاجرت کردند.

اما حمراء، هم‌پیمانان عبدالقیس بودند. آنان چهار هزار نظامی ایرانی بودند که فرماندهی آنان را مردی به نام دیلم به عهده داشت. هم‌پیمانی آنان با عبدالقیس بعد از نبرد قادسیه صورت گرفت. این عناصری که گروه ششم را تشکیل می‌دادند، نقش فرهنگی اساسی و مهمی را تا پیش از سال ۴۰ ق در کوفه^۲ و تا پایان سال ۸۳ ق در بصره ایفا کردند.

۷. نام گروه هفتم در هیچ منبع تاریخی نیامده است، ولی بدون هیچ شکی آنان قبیله طیء بودند که بعد از آنکه نام آنها در زبان و ادبیات آرامی به کل عرب اطلاق شد و از این زبان به زبان‌های فارسی و ارمنی و چینی نفوذ کرد، موقعیت خود را از دست دادند و

۱. در سال ۷۷ ق و در حالی که ۱۰۰ سال داشت به دست شیبخ خارجی کشته شد.

۲. ر.ک: اثر دیگر نویسنده؛ سلمان پاک؛ ص ۲۵ و ۲۶.

جایگاهشان تنزل یافت. به رغم اینکه این قبیله از همان آغاز در غنایم و اموال فیء سهمی داشتند و با وجودی که در نبرد صفین گروه مستقلی را تشکیل داده بودند،^۱ نام آنها تنها نامی است که هنگام جستجو در جدول‌های قبایل کوفه به چشم نمی‌آید. هنگامی که علی علیه السلام بعد از جنگ جمل (۳۶ق) به کوفه آمد، این نظام هفت‌گانه (الاسباع) را تغییر داد و آن را به این صورت مرتب کرد:

۱. هَمْدَان و حَمِیر.
 ۲. مَذْحِج و أَشْعَر و طِیء (البته این قبیله پرچمی مخصوص به خود داشتند). نصر بن مزاحم^(۷۳) هنگام گزارش خروج سپاهیان کوفه به سوی صفین، قبیله طِیء را گروه هفتم این سپاهیان ذکر کرده است.
 ۳. قیس (عبس و ذبیان) و عبدالقیس.
 ۴. کِنْدَه، حَضْرَمَوْت، قُضَاعَه و مَهْرَه.
 ۵. اَزْد و بَجِیْلَه و خَثْعَم و انصار (دینوری آنان را همراه قریش جزء گروه هفتم آورده است).
 ۶. بکر و تغلب و سایر بطون ربیعه (به جز عبدالقیس).
 ۷. قریش و کنانه و اسد و تمیم و ضبّه و رباب.^۲
- دینوری نیز این اسامی را به همان ترتیبی که بلاذری آورده است، در اختیار ما قرار می‌دهد، ولی طبری تنها از پنج گروه آن هم به این ترتیب نام برده است: «۷، ۳، ۶، ۲ و ۵». نصر بن مزاحم نیز در کتاب صفین همین گروه‌ها را به این ترتیب برشمرده است: «۳، ۷، ۵، ۴، ۲ و ۱». وی سپس از طِیء به عنوان گروه هفتم نام برده است. در تقسیم‌بندی نصر بن مزاحم، اثری از گروه ششم یعنی بکر و هم‌پیمان‌های آنان نیست. نورالله شوشتری به موضوعی مهم اشاره کرده است. او آورده است که در جنگ صفین از رؤسای قریش تنها پنج تن در کنار علی علیه السلام بودند، در حالی که سیزده بطن و پرچم از این قبیله در سپاه معاویه بودند.^(۷۴)

۱. ر.ک: پایان همین فصل.

۲. بلاذری؛ انساب الاشراف؛ کاتبانی، ج ۹، ص ۱۲۹؛ دینوری، ص ۱۴۸؛ تاریخ الطبری؛ ج ۱، ص ۳۱۷۴؛ و نصر بن مزاحم؛ وقعة صفین.

چهار نکته قابل ملاحظه

۱. قبایل ساکن کوفه به جز اهالی حجاز (قریش)، از عناصری کاملاً بدوی تشکیل می شدند. آنان خود به چند دسته قابل تفکیک اند:

الف) شترچرانانی که در خیمه‌ها و چادرهای موپین سکونت داشتند؛ مانند بنی دارم از تمیم.

ب) یمانی‌های قدیم که از قبل همسایگان این قبایل بودند؛ مانند قبیله طیء.
ج) عناصر نیمه بیابانگرد که از قدیم به این منطقه رفت و آمد داشتند؛ مانند ربیعہ نیمه‌نصرانی و بنی‌اسد که از غرب و شمال غربی بودند و بکر که از مشرق و جنوب شرقی آمده بودند.

د) کسانی که همراه ایرانیان از جنوب شرقی آمده بودند؛ یعنی بنی‌عبدالقیس که از هجر به این منطقه مهاجرت کرده بودند.

ذ) آخرین گروه‌ها، اعراب جنوب اصیلی بودند که از یمن و حضرموت آمده و از سایرین متمدن‌تر بودند. آنان خود به دو گروه تقسیم می شدند:

۱. نیمه‌شهرنشینان شامل قبایل کنده و بجیله؛

۲. شهرنشینان واقعی که از ساکنان شهرها و روستاهای یمن بودند و قبایل مذحج، حمیر و همدان را شامل می شدند.

این شهرنشینان کم و بیش متمدن جنوبی بودند که باعث شکل‌گیری مدنیت و شهرنشینی عنصر عربی در کوفه شدند و این ناشی از خصوصیت عقلانی موجود در شخصیت آنان بود که کوفه را از این نظر از بصره متمایز می‌کرد؛ زیرا جنوبی‌ها در بصره اندک و ضعیف بودند. افزون بر این، باید به توانایی خاص عناصر جنوبی^۱ در تمدن و شهرنشینی و بنای فرهنگ اسلامی در سوریه و مصر و اندلس اشاره کرد؛ اما می‌توان گفت که این ویژگی با زیباترین نشانه‌هایش در کوفه آشکار گردید. ممکن است کسی

۱. استاد فؤادبک کوپورلو در آستانه به من این نکته را گوشزد کرد که در تحقیق راجع به تجمع ترکان در آناتولی و چگونگی شهرنشینی و مدنیت آنان در این منطقه به این نتیجه رسیده است که آن گروه از این قوم که پیش‌تر در ترکستان شهرنشین و دارای مدنیت بوده‌اند، در آناتولی نیز از این نظر بر سایرین برتری یافته‌اند.

اعتراض کند که بصره نیز یکی از منابع این فرهنگ بوده است. پاسخ ما این است که کوفه عامل و علت این حرکت فرهنگی به شمار می‌رفت، ولی کار بصره تنها اخذ و اقتباس از کوفه بود. گرچه در آمیختن بنی عبدالقیس با هم‌پیمان‌های ایرانی‌شان، حمراء، کار برگردان مفردات فارسی به زبان عربی را در بصره نیز همچون کوفه تسهیل کرد، ولی این شهر نیروی پدیدآورنده تصور و ابتکاری را که ویژگی خاص گروه‌های عرب جنوبی (یعنی اهالی یمن) که در کوفه بر سایرین تفوق داشتند را فاقد بود. و از همین جا می‌توان به رویکردهای دوگانه و متفاوت دو مکتب قدیم بصره و کوفه پی برد. برتری ویژه مکتب کوفه، قدرت ابداع و نوآوری در تصورات در تمامی دوره‌های فرهنگ عربی بود: در کتابت، این خط کوفی برگرفته از آثار و متون قدیمی بود که تطور یافت و گسترده شد. در صرف و نحو و قرائت، مکتب کوفه از صیغه‌ها و شرایط شاذ و نادر بحث می‌کند. ضمن اینکه از چهار قاری بزرگ قرآن، سه نفر اهل کوفه بودند، ولی تنها یک نفر بصری بود.^(۷۵)

در نثر می‌توان به شکل‌گیری مجموعه معتبر و نفیس نهج البلاغه در این شهر اشاره کرد که حاوی خطبه‌ها و موعظه‌هایی است که علی علیه السلام در آنجا ایراد کرد.^۱ در شعر، این کوفه بود که تغییر و دگرگونی در میراث گذشته شعر عربی یعنی حماسه‌ها و معلقات را آغاز کرد.

همچنین سخنان و رفتارهایی در موضوع عشق الهی در این شهر بروز کرد. از آن جمله می‌توان به سخنان بنی‌عذره اشاره کرد که با سرزنش اصمعی بصری روبه‌رو شد.^۲ معرفت دینی که در این شهر علیه زنادقه و سبائیه شکل گرفت، قوام یافت تا آنجا که به اندیشه تجلی و رویت خداوند نزد زهاد و متصوفه تبدیل شد، و این به وسیله اعلام آشکار توبه صورت پذیرفت (به عنوان مثال به قیام توابین که در سال ۶۴۴ ق رخ داد، توجه کنید). کوفه خاستگاه بهلول‌ها و صوفیان^۳ یعنی کسانی بود که غزالی جایگاه، شأن و

۱. ر.ک: سلمان پاک؛ ص ۴۹.

۲. رقیة قلوب اهل الیمن؛ نیز ر.ک: نعمانی؛ کتاب الغیبة؛ ص ۱۵؛ اصفهانی؛ الاغانی؛ ج ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۳.

۳. داستان ابراهیم ادهم که خواهرش ساکن کوفه بود (Cf. notre Essai, 133).

اهمیت آنان را با دلایل شرعی اثبات کرده است.^۱ در همین شهر بود که حلاج ظهور کرد. او کسی بود که بر همه عابدان و زاهدان پیش از خود برتری یافت، ابراهیم الخواص را مورد انتقاد قرار داد و نظریه او یعنی انکار ذات را رد کرد و مکتب صوفیانه‌ای خاص، مبتنی بر ترک تکامل را بنیان نهاد.

اما در عرصه سیاست، کوفه یک مشروعیت طلب دینی^۲ در حد اعلامی آن بود، تا جایی که بزرگ‌ترین حرکت اصلاح طلبانه‌ای که در این شهر به وقوع پیوست، یعنی قیام زیدیه، چیزی نبود جز استدلال و درخواستی برای عدالت اجتماعی که به صورت مسلحانه صورت پذیرفت.^(۷۶)

در فقه و حقوق، کوفه دارای مکتبی رسمی و ظاهرگرا^۳ بود. این شهر مرکز اولین فقیهان و قانون‌گذاران بود. مکتب کوفه قدرت نهایی روحانی را متکی بر نعمت‌های الهی می‌دانست.

حیات صنفی و اجتماعی^(۷۷) در این شهر متکی بر اسناد سلمان (اسناد الشّد) بود و در بصره حسن بصری از آن تبعیت می‌کرد.

اینها در حالی است که مکتب بصره، قوتش مرهون نوعی واقع‌گرایی^۴ بود و به نتیجه‌گیری‌های کند و استدلال‌های ملال‌آور می‌پرداخت و این چنین اصول علم صرف و شرح‌های آن را گرد آورد و در تحقیق در این موضوعات راه مبالغه در پیش گرفت. اما شعرای بصره معیارهای به میراث رسیده را کنار گذاشتند (این کار در عرصه نثر عربی نیز صورت پذیرفت) و افکار و اندیشه‌های مشابهی را که از بیگانگان به آنان رسیده بود، با نوعی شک و تردید جذب کردند.

در عرصه تفکر دینی، بصریان پس از آنکه فلسفه مرتاضانه هندی را رها کردند، به نوعی پرهیز روان‌شناسانه اخلاقی روی آوردند و به آن خو گرفتند.

در عرصه سیاست باید گفت که بصره منزلگاه اهل جماعت (اهل الجماعه) بود؛ یعنی کسانی که مواضع آنان نسبت به جایگاه و شئون افراد، گروه اهل سنت را شکل داد.

۱. غزالی؛ احیاء علوم الدّین؛ ج ۴، ص ۱۷۴ و ۳۱۰ (Cf. Notre passion, 59).

2. Legitimiste

3. Formaliste

۴. Realisme. رئالیزم مکتبی است که به تحقیق درباره حقایق عینی اشیاء می‌پردازد و به این حقایق معتقد است.

آنان با کمال جرأت و گستاخی هرگونه اختلاف بین صحابه را منکر می‌شدند.^۱ این شهر همچنین مرکز قدریه بود.

حجاج بن یوسف ثقفی میان بصره و کوفه مقایسه‌ای صورت داده است؛ او بصره را به پیرزنی سفیدمو تشبیه کرده است که به زینت‌ها و آرایه‌هایی که به خود بسته فخر می‌فروشد و با آنها عشو می‌کند، ولی کوفه را همانند دوشیزه زیبایی دانسته که جواهری به خود نیاویخته است.^۲

۲. چهار خانواده بزرگ رؤسای اهل بادیه در بصره سکونت نگزیدند، بلکه ساکن کوفه شدند. آنان عبارت بودند از: ۱. آل زراره از بنو دارم.^(۷۸) بنو دارم خود بطنی از تمیم بودند. ۲. آل زید از بنی فزاره از قیس عیلان. ۳. آل ذی‌الجدين از بنی شیبان. بنی شیبان بطنی از بکرین وائل بودند. ۴. آل قیس از بنی زبید از مذحج.

کافی است اشاره کنیم که این قبایل ابتدا در نواحی اطراف کوفه سکونت گزیدند و مدت‌ها بعد وارد شهر شدند؛ به همین دلیل نیز شهرنشینی‌شان با تأخیر صورت پذیرفت.^(۷۹)

۳. مطلب سوم اختلاف شمار جنگجویانی است که در کوفه سکونت گزیدند. در قادیسیه تعداد آنان ۳۶۰۰۰ نفر بود که دوسوم آنان را یمنی‌ها تشکیل می‌دادند. اما تعداد سهم‌هایی که از غنایم برای آنان مشخص گردید، به ۱۰۰۰۰۰ سهم بالغ می‌شد؛ یعنی حداکثر ۴۰۰۰۰۰ نفر.^(۸۰) بلاذری در صفحه ۳۵۰ از [کتاب فتوح البلدان] از ۶۰۰۰۰ جنگنده و ۸۰۰۰۰ سهم سخن گفته است.

۴. آشکار است که گرد آمدن قبایل و خاندان‌ها در این شهر و پیوستگی و نسبت آنها با یکدیگر، به علمای انساب در تنظیم جدول‌های گوناگون انساب قبایل کمک کرد. در سال ۵۰ هجری یعنی در دوران فرمانداری زیاد بن ابیه در کوفه،^(۸۱) محلات نظامی کوفه همانند محلات بصره سامان داده شد؛ به این معنی که مناطق هفت‌گانه، به

1. Cf. notre Receuil, 220.

۳. ابن‌الفقیه؛ البلدان؛ ص ۱۷۲.

۲. یاقوت؛ معجم البلدان؛ ج ۴، ص ۳۲۵.

4. Caetani, v.III, p.851.

چهار منطقه تقسیم شدند (الارباع)، و این پس از آن بود که هر دو گروه از شش گروه اول، در یک گروه ادغام شدند:

۱. اهل العالیه؛

۲. تمیم و همدان؛

۳. ربیعہ (بکر) و کنده؛

۴. مذحج و اسد.^۱

لامنس معتقد است برهم زدن تقسیم‌بندی پیشین از طرف زیاد، شاید به خاطر گروه شماره ۲ بود؛^۲ زیرا قبیله همدان، قبیله‌ای بزرگ، بلندپایه و قوی بودند که پیوسته با فرمانداران و امیران شهر دشمنی می‌کردند. این ناشی از تعصب شدید آنان به تشیع بود و چون زیاد از آنان خوشش نمی‌آمد، تقسیم‌بندی جدید را ترتیب داد تا همدان را به اطاعت فرمانده نظامی وادارد که در رأس قبیله تمیم قرار داشت؛ قبیله‌ای که همدانی‌ها از سال ۳۷ هجری نسبت به آنان کینه می‌ورزیدند.

البته این نظر لامنس درست نیست؛ زیرا تقسیم‌بندی جدید به خاطر گروه شماره ۳ بود؛ یعنی کسانی که پیمان مشهور و مهمی بسته بودند که در آن هنگام، سبب وقوع شورش در بصره شده بود. این نظام و سیستم تازه تا اوایل سده چهارم هجری که کوفه جایگاه خود را از دست داد و روند انحطاطش تکمیل شد، باقی بود و به آن عمل می‌شد.

۱. تاریخ الطبری؛ ج ۲، ص ۱۳۱، ۲۵۵، ۶۴۴، ۷۰۱، ۹۷۰ و ۸۵۷ حوادث سال ۲۲۴.

2. Lammense, *Ziad*, p.127-132.

راه‌ها، صحن‌ها و مقابر

نسخه منحصر به فردی که برای تعیین و رسم منازل و محلات کوفه در اختیار ما قرار دارد، نسخه اصیل قدیمی است که بر اساس آن، سعد بن ابی وقاص ما بین صفوف چادرهای جنگجویان ۱۵ راه کشید. منظور از راه (منهج) در اینجا خط فاصل میان صفوف چادرها بود.^(۸۲) این راه‌ها به اعتبار شأن مسجد جامع از آنجا آغاز می‌شدند و در چهار جهت امتداد می‌یافتند:

در شمال صحن مسجد، راه‌های ۱ و ۲ که برای قبایل سُلَیم و ثقیف در نظر گرفته شد، راه شماره ۳ برای قبیله هَمْدان، راه ۴ برای بجیله و راه ۵ برای قبایل تیم‌اللات و تغلب. در جنوب صحن مسجد، راه شماره ۹ برای بنی‌اسد، راه شماره ۷ که مابین بنی‌اسد و نخع قرار داشت، راه شماره ۸ که بین نخع و کنده واقع شده بود و راه شماره ۹ که مابین قبایل کنده و ازد کشیده شده بود. در شرق صحن مسجد، راه شماره ۱۰ برای انصار و مُزَینه، راه ۱۱ برای تمیم و محارب و راه ۱۲ برای اسد و عامر.

در جهت مغرب صحن مسجد، راه شماره ۱۳ برای بجاله (از غطفان) و بجله (از قیس)، راه شماره ۱۴ برای جدیله و لفیف^(۸۳) و راه ۱۵ برای جهینه و لفیف کشیده شد.^۱ علاوه بر اینها، به خیابان‌هایی برخورد می‌کنیم که سکه (جمع سگّه) نامیده می‌شوند. عرض سگّه ۵۰ ذراع دست (اذرع الید) بود.^(۸۴) این خیابان‌ها گاه شب‌هنگام به وسیله مشعل‌هایی روشن می‌شدند.^۳ ما بعضی از این خیابان‌ها را می‌شناسیم: از آن

۱. تاریخ الطبری؛ ج ۱، ص ۲۴۸۹. ۲. یاقوت؛ معجم البلدان؛ ج ۷، ص ۳۱۱.

۳. تاریخ الطبری؛ ج ۳، ص ۱۷۰۱ (هنگام بیان حوادث قیام زید).